

”

کانون پیشرفت در
یکی از روستاها به
نام روستای شاهتور،
مسئله را بحث درمان
تشخیص دادند و
تکمیل درمانگاه را
پروژه‌ی خودشان
تعریف کردند. قبلاً
یک ساختمان برای
درمانگاه این منطقه
کلنگ زده شده بود
که سال‌های سال
نیمه‌کاره رها شده بود.
تزیق مالی کوچکی
از طرف کارخانه سبب
شد تا شور و شوق در
منطقه جرقه بزند؛
مردم خودشان
پای کار آمدند و
چندین میلیارد توسط
خودشان و خیرین
روستا جمع‌آوری
کردند. ما اوج مشارکت
مردمی را در تکمیل
ساخت این پروژه
دیدیم

خود مردم کمک بدهیم. با کمک جهاد کشاورزی منطقه، بذر مناسب را تعدادی از کشاورزان تست کردند و عملکرد سطح زیرکشت‌شان افزایش پیدا کرد. بحث آموزشی هم مهم بود. تعدادی از جوانان کشاورز منطقه را با ماشین شخصی خودمان به جنوب استان فارس بردیم؛ آنجا به صورت میدانی با کشاورزان استان‌های دیگر آشنا شدند و یاد گرفتند. با این کار هم تجربه‌ی میدانی آنها بیشتر شد، هم ارتباطشان با کشاورزهای موفق حاصل شد و هم انگیزه آنها هم بالا رفت که برای پیشرفت منطقه‌ی خودشان کاری انجام بدهند.

مرحله‌ی دوم طرح، بخش فروش و بازاریابی بود. مهم است که به جای فروش کنج‌خام با قیمت پایین، آن را فرآوری بکنند تا ارزش افزوده‌ی آن زیاد بشود. مرحله‌ی سوم هم تشکیل یک شبکه برای بازاریابی بود تا سود بیشتری از فروش نصیبشان بشود. مجدد هماهنگی‌های لازم را در اصفهان کردیم و این کشاورزان را به اصفهان آوردیم. در بازار اصفهان با تجار اصفهانی آشنا شدند و این ارتباطات منجر به شروع بازاری جدید شد. همه‌ی این کارها انجام شد و الحمدلله بهره‌وری کنج‌بالارفت، روغن کنج‌توسط مردم تولید و توسط خود مردم فروخته شد. در این راه، از ظرفیت گروه‌های جهادی خود منطقه‌ی قلعه‌گنج که پای کار حل این مسئله بودند هم بسیار استفاده کردیم.

خودمان را به بنیاد دادیم که کل زنجیره‌ی فعالیت‌های انجام شده باید مردمی باشد. بنیاد هم الحمدلله به خوبی حرف ما را شنید و به ما پروژه‌ی دوم را سپرد که فاز عملیاتی برای مردمی‌سازی اقتصاد قلعه‌گنج بود. کار را مجدداً آغاز کردیم و برنامه‌ای گام‌به‌گام برای عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی در منطقه طراحی کردیم.

گنج قلعه‌گنج در دستان مردم

منطقه‌ی جنوب کرمان جزو مناطق مستضعف کشور است که هم از نظر علم و دانش ضعف دارد و هم از نظر اقتصادی و اجتماعی. از نظر ما کشاورزی، ترابری، اداره‌ی کارخانه روغن‌کشی و همه‌ی فعالیت‌هایی که تابه‌حال توسط بنیاد انجام می‌شد، باید به مردم سپرده می‌شد. اول مردم باید یک تعاونی و مدیریت آن را تحویل می‌گرفتند و بعد هم بازاریابی را انجام می‌دادند. طرح توسعه‌ی اقتصادی منطقه در رسته‌ی کنج‌خام را شروع کردیم که یکی از ظرفیت‌های اصلی قلعه‌گنج بود. طبق تحقیقاتی که انجام دادیم مشخص شد بهره‌وری کنج‌قلعه‌گنج بسیار پایین‌تر از سایر مناطق است. بر اساس تحقیقات، باید بذر بهتری انتخاب می‌شد و حتی نگهداری بذر در حین فرایند کاشت کنج، بهتر صورت می‌گرفت.

برای حل این مسئله باید خود جوانان منطقه پای کار می‌آمدند؛ ما با آنها ارتباط گرفتیم و سعی کردیم با مشارکت مردم به حل مشکل

